روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۲-۸۸۶۵۴۳۹۱ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharghnewspaper.ir
تهران: اذان ظهر ۱۳:۱۱ اذان مغرب ۲۰:۳۱ اذان صبح فردا ۴:۳۳ طلوع آفتاب ۶:۱۱

روزنامه شرق

یکشنبه ۸ مرداد ۱۳۹۱ • ۹ رمضان ۱۴۳۳ • ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۲ • سال نهم • شماره پیاپی ۱۵۸۹ • شماره ۶۶۴ دوره جدید • ۲۰صفحه

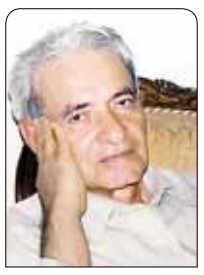

«بهروز ثروتیان» در ۷۵سالگی درگذشت

بهروز ثروتیان در سن ۷۵سالگی درگذشت. گلنار ثروتیان ـ دختر بهروز ثروتیان ـ با تایید این خبر گفت، این نویسنده و پژوهشگر ادبی ظهر شنبه، هفتم مردادماه بر اثر سکته قلبی در حیاط منزلش در کرج از دنیا رفته است. او همچنین در توضیحی درباره محل خاکسپاری این استاد ادبیات عنوان کرد: تصمیم داشتیم پیکر پدرم را در قطعه هنرمندان کرج به خاک بسپاریم؛ ولی طبق وصیت خودش، فعلا آخرین تصمیم این شد که او را در زادگاهش، میاندوآب، به خاک بسپاریم. دکتر بهروز ثروتیان زاده سال ۱۳۱۶ در میاندوآب، نظامی‌شناس و پژوهشگر ادبی بود.

تولدی دیگر

آمریکا در نگاه «کوبریک»

امیر حاج‌رضایی

■ «دیوید ا. کوک» در کتاب تاریخ جامع سینمای جهان در مورد فیلم‌های «استنلی کوبریک» چنین می‌نویسد: «فیلم دیگری که در دهه ۱۹۶۰ تخیل نسلی از سینماگران را به کار انداخت، «سال ۲۰۰۱، یک ادیسه فضایی» (۱۹۶۸) اثر کوبریک بود. این فیلم که با هزینه ده‌ونیم‌میلیون دلار و در بیش از دو سال‌ونیم ساخته شد، بصیرتی اساطیری از رابطه انسانیت و تکنولوژی به دست می‌دهد؛ رابطه‌ای که در آن زمان برای آینده جامعه آمریکایی و همه جهان غرب معنایی حیاتی داشت. «ادیسه فضایی» مانند هم‌نام یونانی خود ساختاری حماسی دارد. فیلم «۲۰۰۱، یک ادیسه فضایی» با فضایی معماگونه، اساطیری و عمیقا زمینی با زبان ساده و برداشتی منطقی قابل تفسیر نیست چراکه بر مصداق دقیق (فلسفه مارشال مک‌لوهان مبتنی بر) وسیله پیام است، ساخته شده است.»

کوبریک خود اشاره دارد: «این فیلم اساسا تجربه‌ای غیرکلامی است. بیش از نیمی از فیلم دیالوگ ندارد.» بهترین فیلم‌های استنلی کوبریک از نظر تکنیک و خردورزی همواره یک دهه جلوتر از زمان خود بوده‌اند. اظهارنظر کلاسیک او در «راه‌های افتخار» (۱۹۵۷) در پس‌زمینه یک واحد نظامی فرانسوی در جنگ جهانی اول با شدت تمام به همان حماقت نظامی و بی‌عاطفگی اشاره دارد که آمریکا را به جنگ ویتنام کشاند. «دکتر استرینج لاو» (۱۹۶۳)، «پرتقال کوکی» (۱۹۷۱)، که اولی در باب اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ هسته‌ای و دومی که اقتباسی آزاد از رمان «آنتونی برجس» است پیرامون آینده‌ای آلوده حول محور موادمخدر و خشونت‌گرایی است که کوبریک را بیش از هر زمانی در اندیشه انسانیتی درخور فروپاشی معرفی می‌کند. همان‌طور که فیلم «درخشش» (۱۹۸۰) روایتی است از تاریخ خشونت در آمریکا و سوءاستفاده از کودکان و به دنبال آن «غلاف تمام‌فلزی» (۱۹۸۷) که مدعی است ایالات متحده خود، نوعی «دیزنی‌لند» بی‌معناست که جنگ ویتنام یکی از بازی‌های پیشرفته آن است. مجددا برمی‌گردیم به «ادیسه فضایی» که «فرد سیلوا» منتقد فیلم، آن را هم‌طراز «تولد یک ملت» ساخته «دیوید وارک گریفیث» و «همشهری کین» ساخته اورسن ولز قرار داده و آن را نقطه عطفی در سینمای آمریکا ارزیابی کرده است. فیلمی که بر نقاط حساس و متزلزل زندگی آمریکایی انگشت گذاشته. به عبارت دیگر این فیلم تهی‌بودن تکنولوژی را در قالب فیلمی که خود، از عجایب تکنولوژی است، به نمایش می‌گذارد. «ادیسه فضایی» از نادرترین دستاوردهای سینمایی محسوب می‌شود؛ فیلمی اصیل در باب وضعیت بشر. آخرین فیلم کوبریک «چشمان باز بسته» (۱۹۹۹) است. فراموش نکنیم فیلم تاریخی «اسپارتاکوس» در ژانری غافلگیرکننده نیز ساخته کوبریک است. با مرگ زودهنگام کوبریک پیش از اکران «چشمان باز بسته» در همان سال ۱۹۹۹، سینما یک کارگردان اندیشمند با دغدغه‌های انسانی را از دست داد؛ فیلمسازی که جامعه آمریکا و سیاستمداران آن را از زوایای مختلف، نقد می کند و به چالش می کشاند.

پیوست: این مطلب با استفاده از کتاب «تاریخ جامع سینمای جهان» به تالیف «دیوید ا. کوک» نوشته شده است.

رویداد

نمایش کشتی «نوح» برای گردشگران المپیک در لندن

■ **ایسنا:** با آغاز المپیک لندن، کشتی نوح به مقصد جدید گردشگری این شهر تبدیل شده است. در شرایطی که مسابقات المپیک در شهر لندن آغاز شده است، نمونه‌ای از کشتی نوح که توسط یک نجار و طراح هلندی و براساس اطلاعات موجود در انجیل ساخته شده، گردشگران زیادی را جذب این شهر کرده است. به گزارش دیلی‌تلگراف، «یوهان هویبرس» هلندی ظرف مدت سه سال این کشتی عظیم چوبی را که ۱۳۰متر طول، ۲۱متر پهنا و ۱۲متر ارتفاع دارد ساخته است. از ماه‌ها قبل از آغاز مسابقات المپیک وزارت فرهنگ انگلیس برنامه‌های تبلیغاتی در ۱۴ شهر بزرگ دنیا برای معرفی جاذبه‌های گردشگری انگلیس و به‌ویژه شهر لندن را آغاز کرد تا از این طریق تعداد گردشگران این کشور در سال‌جاری میلادی به ۳۰میلیون نفر برسد. پیش‌بینی می‌شود انگلیس، به‌ویژه شهر لندن در طول برگزاری مسابقات المپیک از تاریخ ۲۷ ژوئیه تا ۱۲ آگوست، میزبان ۳۲۰ تا ۴۰۰هزار گردشگر باشد. انگلیس طی سال‌های اخیر همواره در جمع پنج مقصد برتر گردشگری جهان بوده و حالا دولت این کشور که با مشکل کسری شدید بودجه دست به گریبان است، قصد دارد در قالب برنامه‌ای ۱۰ساله، درآمدهای انگلیس از محل صنعت گردشگری را به ۱۸۸میلیارد پوند در سال ۲۰۲۰ برساند و این کشور را به قطب نخست گردشگری قاره اروپا تبدیل کند.

بی تعارف

گزارشی از شصت و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم «لوکارنو»

یک ماجرای پرهیجان

مینو مشیری

شصت و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم «لوکارنو» تا چند روز دیگر، از اول تا یازدهم اوت (۱۱ تا ۲۱ مرداد) برگزار می‌شود. من به عنوان یکی از ۵ داور فیپرشی [فدراسیون بین‌المللی منتقدان سینمایی] به این جشنواره دعوت شده‌ام و در آن شرکت می‌جویم و امید دارم بتوانم برایتان گزارش بفرستم.مدیر هنری این جشنواره برای سومین سال متوالی یک فرانسوی به نام «ولیویه پر» است. سابق بر این او از مدیران جشنواره فیلم کن بود و با سینمای ایران خوب آشناست. امسال اما ایران فیلمی در این جشنواره ندارد.

آلن دولن

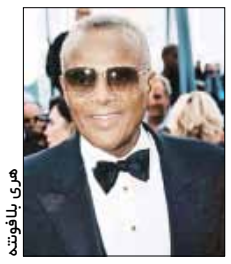

هری بلافونته

اولیویه پر در مصاحبه‌ای که در هفته گذشته با خبرنگاران داشت درباره برنامه‌ای که برای جشنواره امسال تدارک دیده توضیحاتی داد و سوالات خبرنگاران را جواب گفت. مدیر هنری جشنواره لوکارنو گفت برنامه امسال یک «ماجرای پرهیجان» است و دوستداران سینما نه‌تنها سینماگران مولف جدیدی را کشف خواهند کرد بلکه راه و رسم‌های نوین داستان‌گویی روی پرده نقره‌ای را نیز شاهد خواهند بود.او همچنین خاطرنشان کرد برنامه سال جاری شامل فیلمهایی از کارگردانان جوان و جدید و ناشناخته است و نیز از بزرگان نامدار مانند «ژان‌کلود بریسوکه» با فیلم «دختری از ناکجاآباد» در جشنواره حضور پیدا می‌کند. و یا پیتر مستلر، مستندساز صاحبنام کانادایی – سوئیسی که با آخرین ساخته‌اش «پایان زمان» از مدعوین امسال است. فیلمهای مستند چندی است که جدا از بخش اختصاصی‌ای که در جشنواره‌ها دارند، در بخش مسابقه بین‌الملل هم می‌توانند شرکت کنند. دیگر اینکه برخلاف سال‌های اخیر که فیلمهای آمریکایی به ندرت در جشنواره‌های مهم اروپایی روی پرده می‌رفتند، امسال شش فیلم از سینمای مستقل آمریکا در مسابقه بین‌الملل شرکت دارند. کشور میزبان نیز در مسابقه بین‌الملل حضور پررنگی دارد و علاوه بر فیلم «پایان زمان» که به آن اشاره شد، چند فیلم دیگر هم در این بخش دارد.اما از بخشهای بسیار جاذب و جالب همه ساله این جشنواره «مروری بر آثار ...» است که به کارگردانان برجسته و تثبیت شده قدیمی اختصاص دارد. امسال هم مروری بر آثار «اتو پرمینگر» اختصاص یافته است و تمام آثار این کارگردان اتریشی – مجارستانی‌تبار آمریکایی که نمایشنامه‌نویس و کارگردان بود و جوایز مهم و متعددی را در کارنامه‌اش دارد، روی پرده می‌روند. او در ۸۰ سالگی در نیویورک درگذشت.

جشنواره لوکارنو بخش‌های متنوع زیادی دارد و بهمین دلیل مدیر هنری‌اش آن را «جشنواره‌ای بدون مرز» می‌نامد که ژانرهای متفاوت را پذیراست و روی پرده نقره‌ای می‌برد.

میهمانان ویژه

در میان میهمانان ویژه این جشنواره «آلن دولن» فرانسوی و «هری بلافونته» آمریکایی هستند که هر دو «جایزه یک عمر فعالیت هنری» را دریافت خواهند کرد.

آلن دولن که اکنون ۷۷ سال دارد خیلی سریع به اوج شهرت رسید و در ۲۳ سالگی کارگردانان و منتقدان او را به ژرار فیلیپ، ژان ماره و حتی جیمز دین تشبیه کردند. او با کارگردانانی مانند ویسکونتی، ژان لوک گدار، ژان پیر ملویل، آنتونیونی و لویی مال کار کرده است. آلن دولن در سال ۱۹۹۹ به تابعیت سوئیس درآمد و اکنون در نزدیکی ژنو زندگی می‌کند.

هری بلافونته، هنرپیشه سیاه‌پوست آمریکایی که خواننده معروفی نیز هست و ۸۵ سال دارد همچنان فعال و پرکار است. او از فعالان سیاسی است و از مخالفان سرسخت سیاستهای «جرج بوش» بود.

به شارلوت رمپلینگ، ستاره سرشناس و استثنایی انگلیسی نیز در شب اول گشایش جشنواره، «لوح افتخار» تقدیم خواهد شد. پیش از این خانم بازیگر، ستارگانی چون سوزان ساراندون، میشل پیکولی، تونی سروبلو، کیارا ماسترویانی و سال گذشته ایزابل هوپر این لوح افتخار را دریافت کردند. شارلوت رمپلینگ با فیلم «نگهبان شب» (۱۹۷۴) به شهرت جهانی دست یافت. سپس با کارگردانانی چون ویسکونتی، لارس فن تریر و وودی آلن گرفته تا فرانسوا اوزن، لیلیانا کاوانی و ناگیسا اوشیما هنرنمایی کرد. مدیر هنری جشنواره درباره او گفت: «خانم شارلوت رمپلینگ بسیاری از کارگردانان مهم جهان را مجذوب هنر خود کرده است و همچنین میلیونها تماشاگر سینما را شیفته.»آخرین فیلم شارلوت رمپلینگ «من، آنا» نام دارد که یک فیلم پلیسی «سیاه» است به کارگردانی بارنابی ساک‌کمب و در طی جشنواره نشان داده خواهد شد. همین.

فال حافظ و شرکا

مواظب خودت باش

پدرام ابراهیمی

تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد
وجود نازکت آزرده گزند مباد
سلامت همه آفاق در سلامت توست
به هیچ عارضه شخص تو دردمند مباد

ای توبی که نمی‌شناسمت!

«لسان‌الغیب» در این شعر با یک حرکت «رونالدینیویی»، به بیماران نگاه کرده اما به اطبا پاس می‌دهد!

پزشکان عزیز و محترم؛ شمایی که ناز دارید چه وای!

اگر در این هفته قصد دارید در راستای این ناز داشتن طبیبانه خود، به محل تلاقی سر و بدن، از آن پارچه‌های گره‌دار به اصطلاح کراوات نصب کنید، از یاد مبرید که کراوات برخلاف کت و شلوار و الگانس و کتانی چینی، وسیله‌ای غربی است و شما بی‌خیالش شوید و ملامت کشید و خوش باشید، که در طریقت ما کافیرست رنجیدن. شما گله‌مند هستی از اینکه همه جا می‌گویند ویزیت تو گران است و طرف دکتر شده و دارد پول پارو می‌کند و... اما نمی‌دانند که مدت‌هاست از فارغ‌التحصیلی‌ات می‌گذرد و در به در دنبال کار یا جور کردن ماشینی برای مسافربری هستی. زیرا اجاره مطب پول می‌خواهد و پول، مطب می‌خواهد و اجاره مطب پول می‌خواهد و پول، مطب می‌خواهد و... (از تبصره پدر پولدار هم نمی‌توانی و در واقع نداری که استفاده کنی.)

فارغ از همه این مسایل در هفته‌ای که در آن هستیم کار مهمی داری. آسوده و مطمئن به انجام کاری که در نظر داری بپرداز و مطمئن باش که در آن موفق نمی‌شوی ولی این چیزی از ارزش‌های کار تو کم نمی‌کند. به‌طور مثال به بازی‌های المپیک نگاه کن و ببین که چگونه ورزشکاران اکثر کشورهای دنیا دارند مدال‌آوری چینی‌ها و یکی دو کشور دیگر را نظاره می‌کنند و از همه بهتر ورزشکاران ما که همیشه از میادینی مثل المپیک جهت تجربه‌اندوزی استفاده کرده تا از این تجربه‌ها در بازی‌های غرب آسیا استفاده کنند. پس تا اطلاع ثانوی مراقب خودت باش که شاید دری به تخته خورد و تو نیز به جایی مهاجرت کردی و سلامتی مردم آنجاها را به ایشان بازگرداندی.

البته مرهم در دست تو و شفا از جانب خداست. همان‌گونه که قلم در دست ما و صبر ما از جانب خداست.

دکه

«مدیریت ارتباطات» مردادماه منتشر شد

بیست‌وهفتمین شماره ماهنامه مدیریت ارتباطات- ویژه مردادماه ۹۱- منتشر شد. در بخش تحلیل گفتمان رسانه‌های خارجی، دکتر حسن بشیر، سیاست گفتمانی رسانه‌های بیگانه و رمزگشایی پیروزی اخوان‌المسلمین را مورد بررسی قرار داده است. گزارش یافته‌های نظرسنجی با عنوان مقایسه جایگاه رسانه‌های نوشتاری نزد فعالان حوزه ارتباطات و رسانه از دیگر بخش‌های این ماهنامه است. «از طعنه‌های عالمانه به شریعتی تا پیامک‌های کوچه و بازار» عنوان یادداشت نگین حسینی، پژوهشگر ارتباطات است که به بررسی شوخی‌های سخیف با دکتر علی شریعتی پرداخته است. «ضرورت توسعه مطالعات در زمینه‌های حقوقی و اقتصادی مدیریت ارتباطات»، قسمت پنجم و پایانی یادداشت پروفسور کاظم معتمدنژاد پدر علوم ارتباطات ایران نیز در این شماره ماهنامه مدیریت ارتباطات منتشر شده است. بیست‌وهفتمین شماره ماهنامه مدیریت ارتباطات در ۸۴ صفحه، تمام‌رنگی و با قیمت چهار هزار تومان به فروش می‌رسد. علاقه‌مندان به خرید اینترنتی می‌توانند از طریق سایت www.cmmagazine.ir اقدام به خرید این ماهنامه کنند.

کارتون‌خواب

حسن کریم زاده
www.karimzadehstudio.com

زاویه دید

مساله تولد «جرج برنارد شاو»

بزرگ‌ترین شوخی جهان

پوریا عالمی

گفته می‌شود «برنارد شاو» برای هر کلمه‌ای که می‌نوشت یک دلار حق‌التحریر می‌گرفت. نویسنده جوانی در پاکتی یک دلار گذاشت و برای او فرستاد و خطاب به او نوشت: «گفته می‌شود برنارد شاو برای هر کلمه‌ای که می‌نویسد یک دلار حق‌التحریر می‌گیرد. خب بفرما. این هم یک دلار. منتظر دریافت اثر یک کلمه‌ای شما هستم.»

برنارد شاو که خیلی کلک بود یک دلاری را گذاشت توی جیبش و نامه‌ای به نویسنده جوان فرستاد که فقط توی آن یک کلمه نوشته شده بود: «چشم!»

حکایتی را که نقل کردیم راست و دروغ انتسابش به آقای شاو را نمی‌دانیم–حتما خاطره‌ای است گنگ که گوشه و کنار مجله یا کتابی در کودکی خوانده شده است-اما از چیزی که می‌توان مطمئن بود این است که اگر برنارد شاو نبود جور این حکایت را هم باید جناب «کوروش» یا جناب «شریعتی» می‌کشیدند. گویا مدتی است «تیچه» و «شکسپیر» برای ارایه این نوع خدمات اجتماعی به ایرانیان به مرخصی رفته‌اند. «انیشتین» هم از وقتی پسر پروفسور «حسابی» شروع به ذکر خاطراتی از پدرش و انیشتین کرد، با دل‌خوری یک شب بی‌خبر از ادبیات عامه فارسی رفت.

می‌گویند شریعتی هم پروفسور «شاندل» را خلق کرده بود تا حکایت‌های مورد نظرش را به او منتسب کند. با این اوصاف اگر تا چند وقت دیگر باستان‌شناسان کتیبه‌ای بیابند که کوروش هم از کسی نقل می‌کرده که اسمش به گوش کسی نخورده باشد نباید تعجب کنیم.

هیچ اهمیتی ندارد برنارد شاو نمایشنامه‌نویسی ایرلندی‌تبار بود که بیست و ششم جولای‌الاول سنه ۱۸۵۶ در دوبلین ایرلند به دنیا آمد و بعد از عمری فعالیت ادبی که برایش توامان جایزه نوبل و اسکار به ارمغان آورد، چه آثاری خلق کرده، یا اصولا چه کاره‌حسن ادبیات و نمایش‌نامه‌نویسی بوده است؟ چیزی که مهم است این است که کسانی باید بار نقل‌قول‌های بامزه را در جامعه ما به دوش بکشند. برنارد شاو به رندی و ظرافت طبع شهره بود و یک‌تنه در حکایت‌های فراوانی نقش اول را بازی می‌کند که برای هر پرسش و اتفاقی پاسخی طنز در چنته دارد، پس طبیعی است که در نقل محافل ما، انیشتین را از گود به در کند؛ انیشتینی که حقش را پیش از اینها شریعتی خورده بود. البته حالا فامیل دور – از بستگان کلاه‌قرمزی – از گرد راه نرسیده همه را از میدان به در کرده، شریعتی و نیچه و برنارد شاو هم نمی‌شناسد.

بیایید از موضوع تولد مبارکی برنارد شاو دور شویم و از فرصت استفاده و درد دل کنیم... بله. نه تنها در ادبیات، که در سیاست و ورزش و باقی امور هم همین‌طور است. یعنی همیشه خبر غیرمهم و بی‌ارزش خبری رویداد اصلی را در سایه نگه می‌دارد. حالا توی سیاستش را ما مثال نمی‌زنیم اما مثلا در ورزش (که مثال‌زدنش مساله‌ای ندارد) فیروز کریمی و علی پروین که اولی طنز تولید می‌کرد و دومی از بس جدی است حرف‌هایش طنز از کار درمی‌آید حرف‌هایشان تیتر یک از کار درمی‌آید یا در عالم سینما خورجین خورجین در گرانبهایی است که از مسعود فراستی و فرج سلحشور، رسانه به رسانه هر روز نقل می‌شود.

خب، طبیعی است که با بولد کردن چنین اخبار و نقل‌قول‌های فاقد ارزش خبری، ذهن مخاطب و خواننده تربیت می‌شود که کم‌کم ساده‌گیرانه با موضوعات روبه‌رو شود و با سرگرم شدن به بخش خنده‌دار اخبار روزانه، از اتفاق‌ها و رویدادهای مهم غافل بماند. عادت خواننده به اینکه فقط به خواندن سوتیترها اکتفا کند، یا تماشای یک فیلم را به خواندن یک دیالوگ از آن، در صفحه وبلاگ دیالوگ‌های تاثیرگذار کاهش دهد، یا خواندن رمانی عظیم را در حد خواندن سطری رمانتیک از آن در گوشی موبایل یا صندوق‌نامه‌های اینترنتی‌اش پایین بیاورد، یا... راهی است که زحمت خط کشیدن روی سطرها و ارسال پارازیت را از بین خواهد برد. همچنین از سکه افتادن محتوای اصلی کتاب‌های جدی نویسندگان، با رواج دادن شوخی‌های دستی و دم‌دستی به آنان، در رسانه‌های خرد نیز موضوعی است که باید به آن دقت کرد. حالا که تولد آقای برنارد شاو سبب شد ما حرف‌هایی را بزنیم که توی دل‌مان مانده بود و ربطی به او نداشت- مثل خیلی از حکایت‌هایی که در فرهنگ ما به او منتسب است که روحش هم خبر ندارد- برای اینکه دینی از برنارد عزیز بر دوش ما نماند، در این سطرهای پایانی چیزی نقل می‌کنیم که لابد باورتان نمی‌شود، اما باور بفرمایید برای شخص شخیص آقای برنارد شاو است که بگویی نگویی چنین چیزی مرقوم فرموده:

«هرگاه قصد شوخی دارم، حقیقت را بیان می‌کنم. این بزرگ‌ترین شوخی جهان است.»

بعید نیست از فردا وقتی کسی حقیقت را بیان کند به او بخندیم و بگوییم برنارد شاو گفته هر کی حقیقت را می‌گوید شوخی می‌کند پس باید بهش خندید. دارید به این حقیقت می‌خندید؟ شوخی می‌کنم؟

جنگل آسفالت

نکاتی درباره ترجمه اصطلاحات پزشکی

جنون گابو؛ خالق ماکوندو

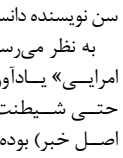

حامد محمدی‌کنگرانی
روانپزشک

■ آشنایی با سینمای «لوییس بونوئل» در دوران دبیرستان بسیار جذاب بود و خواندن کتاب «تا آخرین نفس‌هایم» (زندگینامه خودنوشت او) جذاب‌تر. اما آنچه حیرت‌آور بود، حافظه قدرتمند بونوئل در یادآوری خاطرات بود. سال‌ها بعد که به واسطه رشته تحصیلی‌ام با ساختار حافظه آشنا شدم، فهمیدم که با بالا رفتن سن به طور طبیعی از توانایی حافظه فوری و کوتاه‌مدت و قدرت یادگیری چیزهای جدید کاسته می‌شود اما حافظه طولانی‌مدت و یادآوری خاطرات گذشته باقی می‌ماند و حتی تقویت می‌شود.

آشنایی‌ام با «گابریل گارسیا مارکز» در اول دبیرستان و با «صد سال تنهایی» اتفاق افتاد و تا «زنده‌ام که روایت کنم» ادامه پیدا کرد اما این بار ساختار حافظه انسان را می‌شناختم و از خاطرات نقل‌شده از گذشته‌های دور، تعجب نکردم.مدتی قبل خبری از قول برادر مارکز منتشر شد که به سرعت به تیتر اول اخبار ادبی رسانه‌های دنیا و کشور ما تبدیل شد. «گابریل گارسیا مارکز به جنون مبتلا شده است» مدتی بعد این خبر از سوی «بنیاد روزنامه‌نگاری مارکز» تکذیب شد و آن را صرفا افت طبیعی حافظه به علت بالا رفتن سن نویسنده دانستند.

به نظر می‌رسد همان‌طور که آقای «اسدالله امرایی» یادآوری کرد؛ کمی کج‌سلیقگی و حتی شیطنت در ترجمه خبر (و شاید هم اصل خبر) بوده است. ظاهرا در متن اصلی خبر کلمه «دمانس» (Dementia) ذکر شده است که ساده‌ترین معنای آن زوال عقل است و در فرهنگ لغات غیرتخصصی معنای جنون، دیوانگی و حتی خرفتی برای آن آورده شده است ولی هر کدام از این کلمات بار معنایی و هیجانی متفاوتی دارند و از نظر علمی نیز قطعا فرق می‌کنند.دمانس طبق تعریف روانپزشکی به معنای تخریب پیشرونده و تدریجی کارکردهای شناختی فرد است که شامل حافظه، توجه، تفکر، فهمیدن و حتی صحبت کردن می‌شود ولی فرد همواره هوشیاری خود را حفظ می‌کند و شایع‌ترین نوع آن «بیماری آلزایمر» است که با بالا رفتن سن شیوع آن بیشتر می‌شود و حدود ۲۰ تا ۴۰درصد افراد بالای ۸۵ سال (سن فعلی مارکز) به آن مبتلا هستند. اما آلزایمر سیری کاملا تدریجی دارد و از زمان شروع و ابتدایی‌ترین علایم که معمولا فقط کاهش حافظه فوری و کوتاه‌مدت و فراموشی است تا پیشرفته‌ترین مرحله که ممکن است علایم روانپریشی (توهم و هذیان) هم دیده شود، بین ۵ تا ۱۰ سال طول می‌کشد.ممکن است گابو فقط دچار اختلال حافظه متناسب با سن شده باشد که کاملا طبیعی است یا مبتلا به دمانس (احتمالا آلزایمر)، ولی قطعا جنون (به معنای علمی آن) ندارد و برادر وی (که ظاهرا خودش مبتلا به آلزایمر است!) و ۳۰ سال است که دور از او زندگی می‌کند و تنها با وی تماس تلفنی دارد، نمی‌تواند به این راحتی این تشخیص را از پشت تلفن بدهد. این تشخیص نیازمند مصاحبه و معاینه حضوری بیمار توسط یک روانپزشک است. اما از حق نگذریم که تیتر جذاب و تاثیرگذار «جنون گابو؛ خالق ماکوندو» کاملا وسوسه‌کننده است و باعث نوشته شدن آثار بسیاری در بزرگداشت او و مقایسه دنیای خلق‌شده توسط او در کتاب‌هایش با دنیای واقعی و فعلی نویسنده شد.

خبر

درگذشت «ایرن زازیانس»

■ **خبر آنلاین:** ایرن زازیانس بازیگر سینمای ایران بر اثر سرطان ریه در ۸۵سالگی در تهران درگذشت. «دلهره»، «خداحافظ رفیق»، «سلطان صاحبقران» و «هزاردستان» (علی حاتمی)، «خط قرمز» و «جایزه» از آثار مشهور سینمایی ای است که این بازیگر در آنها نقش ایفا کرده بود. آخرین تصویر ایرن در فیلم «شیرین» (عباس کیارستمی، ۱۳۸۷) بر پرده نشست.